



جمهوری اسلامی ایران  
مجلس شورای اسلامی

دوره پنجم - سال چهارم

۱۳۷۹ - ۱۳۷۸

تاریخ چاپ ۱۳۷۸/۷/۴

شماره ترتیب چاپ ۱۶۷۱

شماره چاپ سابقه

شماره دفتر ثبت ۵۱۳

## طرح فوریتی

### طرح اصلاح قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه

(یک فوریت این طرح در جلسه روز یکشنبه مورخ ۱۳۷۸/۶/۲۱ به تصویب رسید.)

امور قضائی و حقوقی

کمیسیونهای ارجاعی

اموراداری و استخدامی - اموراتقصادی و دارائی و تعاون - اموربرنامه و بودجه -  
دیوان محاسبات و بودجه و امور مالی مجلس

اداره کل قوانین

## بسمه تعالی

### ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

باتوجه به کاستی‌هایی که در قوانین موجود قوه قضائیه مشاهده می‌گردد خصوصاً مشکلاتی که قانون نقل و انتقالات قضات ایجاد کرده است و باتوجه به نقیصه‌ای که در قانون دادگاههای عمومی و انقلاب در باب صلاحیت عام قضات تازه کار به چشم می‌خورد و نظر به اینکه در آغاز دوره جدید مدیریت قوه قضائیه رفع مشکلات قانونی مورد توقع و انتظار ریاست محترم قوه قضائیه می‌باشد، لذا طرح اصلاح قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه با قید یک فوریت تقدیم می‌گردد.

قربانی - ترقی - موحدی ساوجی - ایرانی - عبادی - عبداللهمی - محمدی - نبوتی -  
معلمی - نبوی - صدر - نجابت - اکرمی - محصل همدانی - مرتضوی - معتمدی نیا -  
صدقیانی - فیاض بخش - عزیزی و یک امضاء ناخوانا.

### طرح اصلاح قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه

ماده ۱ - ماده واحده قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۹ به ماده (۱) اصلاح می‌گردد.

ماده ۲ - رئیس قوه قضائیه وظایف و اختیارات ذیل را دارا می‌باشد:

الف - ایجاد تشکیلات قضائی و اداری لازم و متناسب در دادگستری در حد بودجه مصوب.

ب - تقسیم بندی صلاحیت قضائی قضات در سه درجه متناسب با سوابق، تجربیات و سطح علمی آنان.

ج - نقض آرائی که ضمن بازرسی دادگاهها آن را خلاف بین شرع تشخیص دهد و ارجاع پرونده جهت رسیدگی به مرجع صالح.

د - انتقال قضات داوطلب به تهران و سایر شهرستانهایی که با کمبود شدید قاضی مواجه هستند در صورت اقتضا و مصلحت بدون رعایت قانون نقل و انتقال قضات.

ه - تهیه لوایح قضائی و تقدیم آن به مجلس شورای اسلامی.

تبصره - رئیس قوه قضائیه می تواند لوایح قضائی را توسط دولت تقدیم مجلس نماید. در این صورت دولت موظف است ظرف سه ماه آن را تقدیم مجلس کند.

ماده ۳ - رئیس قوه قضائیه می تواند ریاست دادگاه عالی انتظامی قضات را عهده دار گردد.

ماده ۴ - بودجه قوه قضائیه و سازمانهای وابسته توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و به سازمان برنامه و بودجه ارسال می گردد تا در لایحه بودجه سنواتی منظور گردد.

ماده ۵ - آیین نامه اجرایی این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید. ع

### قانون راجع به استخدام قضات و شرایط کارآموزی مصوب ۴۳/۲/۱۹

ماده ۱ - از تاریخ تصویب این قانون شرایط ورود بخدمت قضائی  
برقرار زیر است :

- ۱- تابعیت اصلی ایران.
  - ۲- داشتن دانشنامه لیسانس در رشته قضائی از دانشکده های حقوق داخله و بیالیناس حقوق از دانشکده های حقوق خارجه و با درجات بالاتر از آنها
  - ۳- داشتن مذهب اسلام و معروفیت بحسن اخلاق و دیانت و امانت و علاقمندی بسنتهای ملی
  - ۴- اتمام دوره کارآموزی.
  - ۵- سن بیست و پنج سال تمام.
- اشخاص زیرمبناغل قضائی پذیرفته نخواهند شد:

۱- کسانیکه بواسطه ارتکاب جنحه یا جنایت محکوم شده و یا با اتهامات مذکور کیفر خواست علیه آنها صادر شده باشد مادام که برائت حاصل نگردند.

۲- کسانیکه معروف بفساد عقیده یا اخلاق بوده و متجاهر بفسق هستند.

ماده ۲. از تاریخ تصویب این قانون داوطلبان خدمات قضائی وقتى بتصدى مشاغل مزبور قبول میشوند که دوره کارآموزی را با موفقیت بانمام رسانده و پایان نامه دوره کارآموزی را دریافت دارند مدت کارآموزی دوسال است. برنامه تملیسات دوره کارآموزی بموجب آئین نامه وزارت دادگستری معین خواهد شد.

ماده ۳. آئین نامه انتخاب داوطلبان مشاغل قضائی را از طریق سابقه وزارت دادگستری تنظیم مینماید.

ماده ۴. اشخاص زیر در صورتیکه واجد شرایط مقرر در ماده اول این قانون باشند از کارآموزی قضائی معاف خواهند بود.

کسانیکه در تاریخ تصویب این قانون دارای پنجسال سابقه وکالت درجه اول دادگستری بوده و همچنین کارمندان ادارای که پنجسال سابقه خدمت در وزارت دادگستری داشته باشند و در امتحانات مقرر در جدول زیر نامه ای که برای کارآموزی قضائی مقرر است شرکت نموده پذیرفته شوند.

ماده ۵. به کسانیکه برای ورود بدوره کارآموزی قضائی انتخاب شده اند مقرری ماهیانه معادل با حقوق و مزایائی که به پایه ۳ قضائی درم کز تعلق میگردد پرداخت خواهد شد و درم کز بکارآموزی اشتغال خواهند یافت و پس از اتمام دوره کارآموزی و موفقیت در امتحانات اخذ پایان نامه کارآموزی هر گاه از جهات اخلاقی نیز شایستگی آنها برای خدمات قضائی مورد تصویب وزارت دادگستری واقع گردد با پایه ۴ قضائی درم کز و با پایه ۵ قضائی درم کز شهرستانها استخدام میشوند و بیست کارمندی علی البذل دادگاه بخش و با دادبازی درجه ۲ دادرسی شهرستان منصوب خواهند شد و چنانچه در امتحانات دوره کارآموزی موفقیت حاصل نگردند دوره کارآموزی یکسال دیگر بدون دریافت مقرری تمدید خواهد شد و اگر باز هم از عهده امتحانات بر نیایند بکارآموزی آنها خاتمه داده میشود مدت کارآموزی آنها هیچگونه سابقه خدمت دولتی ایجاد نخواهد کرد.

ماده ۶. مدت کارآموزی کسانیکه بخدمت قضائی پذیرفته شده اند جزو مدت خدمت محسوب ولی از لحاظ ترفیع جزو مدت توقف در پایه منظور

خواهد شد. کارآموزان قضائی از حیث مسئولیت در حکم کارمندان دولت خواهند بود.

ماده ۷. شرط تثبیت رتبه قضائی کسانی که بپایه قضائی استخدام میشوند لااقل سه سال تمام اشتغال بخدمت قضائی از موقع ورود بخدمت در شهرستانهای خارج از مرکز است.

ماده ۸. کسانی که واجد شرایط ورود بخدمت قضائی هستند وقتی بخدمت قضائی پذیرفته میشوند که طبق آئین نامه ای که وزارت دادگستری تنظیم خواهد نمود سوگند یاد نمایند.

ماده ۹. وزارت دادگستری میتواند از وجود کارمندان لیسانسیه دارای پایه اداری که در وزارت دادگستری بکار تفریر نویسی اشتغال دارند در سایر مشاغل اداری وزارت دادگستری نیز استفاده نماید.  
ماده ۱۰. وزارت دادگستری مأمور اجرای این قانون است.

### قانون اصلاح قانون استخدام قضات و شرایط کارآموزی مصوب ۱۳۴۳

(مصوب ۴۷/۱۲/۲۷)

- ماده واحده - قانون مربوط با استخدام قضات و شرایط کارآموزی مصوب ۱۳۴۳ در موارد زیر اصلاح میشود:
- ۱- شق ۵، از ماده (۱) حذف میگردد.
  - ۲- ماده (۲) بشرح زیر اصلاح میشود:  
صلاحیت کسانی که داوطلب ورود بدوره کارآموزی قضائی هستند توسط هیئتی که وزارت دادگستری تعیین میکند تشخیص میگردد و سپس از طریق امتحان و مسابقه در دوره کارآموزی پذیرفته میشوند مدت کارآموزی علمی و عملی ششماه است.
  - ۳- ماده (۳) بشرح زیر اصلاح میشود.  
کفایت مصاحبه و امتحانات و مسابقه ورودی و برنامه تعلیمات دوره کارآموزی و تعیین شایستگی برای احراز شغل قضائی در مورد کارآموزانیکه در امتحانات کارآموزی قضائی توفیق حاصل نمایند بموجب آئین نامه وزارت دادگستری تعیین میگردد.
  - ۴- ماده (۴) بشرح زیر اصلاح میشود:  
کسانی که حداقل دارای پنج سال سابقه و کالت درجه اول دادگستری بوده یا دارا شوند و همچنین کارمندان اداری وزارت دادگستری که حداقل دارای پنج سال سابقه خدمت در سازمانهای

وزارت دادگستری بوده یا بعداً دارا شوند بشرط قبول شدن در امتحان خاصی که وزارت دادگستری ترتیب خواهد داد و واجد بودن شرایط مقرر در ماده يك قانون مربوط به استخدام قضات و شرایط کارآموزی مصوب سال ۱۳۴۳ و احراز صلاحیت آنان از کارآموزی قضائی معاف بوده و بخدمت قضائی پذیرفته خواهند شد.

تبصره ۱- ليسانسيه های رشته سیاسی دانشکده حقوق که در تاریخ تصویب این قانون در استخدام اداری وزارت دادگستری هستند هر موقع که سابقه خدمت آنها به پنج سال تمام برسد میتوانند از مقررات مذکور در این ماده استفاده نمایند.

تبصره ۲- با داوطلبان مذکور در این ماده از حیث احراز مشاغل قضائی و محل خدمت طبق ماده (۵) رفتار خواهد شد.

تبصره ۳- پایه قضائی داوطلبان مذکور در این ماده بوسیله دادگاه عالی انتظامی قضات با توجه بسابقه و کالت یا خدمت و نتایج امتحانات کارآموزی و اسناد آنان تعیین میشود و در هر حال موقع تعیین پایه قضائی پایه آنان از شش قضائی تجاوز نخواهد کرد.

تبصره ۴- حقوق رتبه قضائی کارمندان مذکور در این ماده هر گاه پس از پذیرفته شدن بخدمت قضائی و تعیین رتبه کمتر از مجموع وجوه دریافتی آنها باشد مادام که حقوق قضائی آنها بمبلغ دریافتی نرسد از حقوق و مزایای قبلی استفاده خواهند کرد.

تبصره ۵- کسانیکه در تاریخ تصویب این قانون مشغول کارآموزی قضائی هستند در صورتیکه از مدت کارآموزی آنان بیش از یکسال گذشته باشد مشمول مقررات قانون استخدام قضات و شرایط کارآموزی مصوب سال ۱۳۴۳ خواهند بود و سایر کارآموزان فعلی پس از اینکه مدت کارآموزی آنان به یکسال تمام برسد طبق مقررات این قانون بخدمت پذیرفته خواهند شد.

۵- ماده (۵) بشرح زیر اصلاح میشود:

بکارآموزان قضائی مقرری ماهیانه معادل باحقوق پایه ۴ قضائی پرداخت خواهد شد و در مرکز بکارآموزی اشتغال خواهند یافت و پس از اتمام دوره کارآموزی و موفقیت در امتحانات و اخذ

گواهینامه پایان کارآموزی با رتبه ۵ قضائی بسمت دادرس علی البدل دادگاه بخش یا دادیاری درجه ۲ دادرسی شهرستان در خارج از تهران منصوب خواهند شد و هرگاه در امتحانات دوره کارآموزی مرفقیته حاصل نکردند دوره کارآموزی آنان ششماه دیگر تمدید میشود و اگر بازم از عهده امتحانات بر نیایند بکارآموزی آنها خاتمه داده میشود ولی وزارت دادگستری میتواند این اشخاص را بدون انجام امتحان و مسابقه و طی دوره آزمایش بشغل اداری منصوب نماید.

تبصره ۱. وزارت دادگستری میتواند برای تأمین احتیاجات دادگاههای بخش تهران در هر دوره حداکثر تا ۱۵ نفر از کارآموزان قضائی را به ترتیب معدل بعنوان دادرس علی البدل دادگاه بخش انتخاب نماید بکسانیکه طبق این تبصره در تهران مشغول انجام وظیفه میشوند و آن چهار قضائی داده میشود وحد اقل مدت توقف آنها برای نیل به رتبه ۵ دو سال و رتبه های بعدی سه سال خواهد بود.

تبصره ۲. کسانیکه در دوره کارآموزی فاقد شرایط مقرر در این قانون بشوند وزارت دادگستری حکم کارآموزی آنان را لغو مینماید.

تبصره ۳. کارآموزانیکه از ادامه کارآموزی قضائی خودداری کنند و یا در خلال یا خاتمه دوره کارآموزی استعفا دهند باید کلیه وجوه دریافتی بابت کارآموزی را به وزارت دادگستری مسترد نمایند و قبل از پرداخت کلیه وجوه مزبور و یا سپردن تمهید پرداخت آن هیچیک از سازمانهای دولتی و شهرداریها و مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق بدولت است نمیتوانند آنها را استخدام نمایند و همچنین اشتغال آنها بوکالت دادگستری ممنوع خواهد بود.

۶- ماده (۶) بشرح زیر اصلاح میشود:

شرط تثبیت رتبه قضائی کارآموزان و سایر افرادی که بموجب این قانون بخدمت قضائی در خارج از مرکز پذیرفته میشوند حد اقل چهار سال اشتغال بخدمت قضائی از موقع ورود بخدمت خارج از مرکز خواهد بود و در صورت عدم اشتغال چهار سال تمام در خارج از مرکز با یک رتبه کمتر ادامه خدمت خواهند داد.

تبصره - مدت توقف کارآموزانیکه بموجب این قانون با رتبه ۵ قضائی بخدمت پذیرفته میشوند برای نیل به رتبه ۶ چهار سال و در رتبه های ما بعد سه سال خواهد بود.

## لایحه قانونی اصلاح قانون استخدام قضات مصوب ۵۸/۸/۱ شورای انقلاب

چون بلافاصله انحلال دادگاه عالی انتظامی قضات ، اسرتجدید سازمان دیوانعالی کشور و دادسرای آن ، و دادگاههای انتظامی ، و تجدیدنظر انتظامی مصوب ۱۳۵۷/۱۲/۱۷ به کمیسیون محول گردیده است و فعلا دادگاه جدید انتظامی قضات بریاست جناب آقای هادوی تشکیل شده و واجد اختیارات قانونی در سلب صلاحیت و انفصال و تنزیل و تبدیل رتبه قضات میباشد ، و مقاسات قضائی که در لایحه فوق برای شرکت در کمیسیون تعیین شده اند از نظر اشتغال بانجام وظائف قانونی خود فرصت کافی برای شرکت در کمیسیون سزبور ندارند ، لذا ضمن انحلال کمیسیون نامبرده اختیارات مذکور در لایحه قانونی انحلال دیوانعالی کشور و دادسرای آن و دادگاههای انتظامی و تجدیدنظر انتظامی و لایحه قانونی اصلاح سازمان دادگستری و قانون استخدام قضات مصوب ۱۳۵۷/۱۲/۱۷ ، بدادگاه عالی انتظامی قضات تفویض میگردد تا در ظرف مدت ششماه بانجام تحقیقات از بازرسی کل کشور و دادسرای انتظامی قضات و سایر مراجع و اشخاص و انجام هرگونه تحقیق و اقدام دیگر ، که برای کسب اطلاعات ، لازم و مقتضی بدانند بدلولی لایحه قانونی مذکور را انجام دهند . ضمناً رئیس دادگاه انتظامی قضات میتواند برحسب مورد ، دونفر از آقایان قضات هرواحد قضائی را برای شرکت در جلسه رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت بقضات آن واحد انتخاب و دعوت نماید ، و در هر مورد رأی اکثریت معتبر است . کسانیکه بانحلال سازمان دیوانعالی کشور و دادسرای آن و دادگاههای انتظامی و تجدیدنظر انتظامی تاکنون بکار دعوت نشده اند نیز مشمول مقررات این لایحه قانونی میشوند .



## قانون مسؤولیت قوه قضائیه مصوب ۶۶/۷/۲۶

ماده ۱ - در صورتیکه اعضاء شورای عالی قضائی در ارتباط با شغل خود به تخلف متهم گردند رسیدگی در دادگاه انتظامی بعمل خواهد آمد و دادگاه با انجام تحقیقات به موضوع رسیدگی کرده و در حدود مقررات انتظامی حکم صادر می کند ، این حکم قطعی است و بلافاصله به مورد اجراء گذاشته میشود .

ماده ۲ - در صورت محکومیت عضو یا اعضاء منتخب ، چنانچه محکومیتشان از نوع انفصال دائم باشد از سمت خود معزول میشوند ، نسبت به اعضاء انتصابی دادگاه حکم را به وسیله رئیس جمهور به اطلاع رهبر میرساند .

ماده ۳ - قضات دادگاههای انتظامی و تجدید نظر آن باید حداقل دارای ۴ سال سن باشند و رئیس دادگاه باید مجتهد جامع الشرایط باشد .  
تبصره - رعایت شرط سن مذکور در مورد مجتهد جامع الشرایط لازم نیست .

---

## قانون اختیارات و وظایف رئیس قوه قضائیه مصوب ۷۱/۱۲/۹

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون کلیه وظایف و اختیاراتی که در قوانین مختلف برای شورای عالی قضائی منظور شده به استثناء اختیارات موضوع تبصره ذیل ماده واحده قانون شرایط انتخاب قضات مصوب ۱۳۶۱/۲/۱۴ به رئیس قوه قضائیه محول می شود .

## قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۷۳/۴/۱۵

ماده ۱- به منظور رسیدگی و حل و فصل کلیه دعاوی و مراجعه مستقیم به قاضی و ایجاد مرجع قضائی واحد، دادگاههای با صلاحیت عام به شرح مواد آتی تشکیل میشوند.

ماده ۲- تأسیس دادگاههای عمومی در هر حوزه قضائی و تعیین قلمرو محلی و تعداد شعب دادگاههای مزبور به تشخیص رئیس قوه قضائیه است.

ماده ۳- با تأسیس دادگاه عمومی در هر حوزه قضائی رسیدگی به کلیه امور مدنی و جزائی و امور حسبه با لحاظ قلمرو محلی با دادگاههای مزبور خواهد بود.  
نصระ ۱- حوزه قضائی عبارتست از قلمرو یک بخش یا شهرستان و یا نقاط معینی از شهرهای بزرگ.

نصระ ۲- رسیدگی به اموری که به حکم قانون به مرجع دیگری واگذار شده از دائره شمول این قانون خارج است.

نصระ ۳- حاکم دادگاههای عمومی در دعاوی راجع به اصل نکاح و طلاق در صورتی صلاحیت رسیدگی دارد که اجازه مخصوص از طرف رئیس قوه قضائیه داشته باشد.

ماده ۴- به رئیس قوه قضائیه اختیار داده میشود در هر حوزه قضائی که لازم باشد با لحاظ نوع دعوائی و تجربه و تبحر قضات هر یک از قضات دادگاه عمومی را برسیدگی به دعاوی، حقوقی، کیفری، احوال شخصی و امثال آن اختصاص دهد.

ماده ۵- به تعداد مورد نیاز دادگاههای انقلاب، در مرکز هر استان و مناطقی که ضرورت تشکیل آنرا رئیس قوه قضائیه تشخیص میدهد تحت نظارت و ریاست اداری حوزه قضائی تشکیل میگردد، و به جرائم ذیل رسیدگی مینماید:

۱- کلیه جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا افساد فی الارض.

۲- توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری.

۳- توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه و ترور و تخریب مؤسسات بمنظور مقابله با نظام.

۴- جاسوسی به نفع اجانب.

۵- کلیه جرائم مربوط به قاچاق و مواد مخدر.

۶- دعاوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی.

ماده ۶- طرفین دعوا در صورت توافق میتوانند برای احقاق حق و فصل خصومت، به قاضی تحکیم مراجعه نمایند.

ماده ۷- احکام دادگاههای عمومی و انقلاب قطعی است مگر در مواردی که در این قانون قابل نقض و تجدیدنظر پیشبینی شده است.

ماده ۸- قضات دادگاههای عمومی و انقلاب مکلفند به دعاوی و شکایات و اعلامات موافق قوانین موضوعه و اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رسیدگی کنند و حکم قضیه مطروحه را صادر نمایند.

ماده ۹- قرارها و احکام دادگاهها باید مستدل بوده و مستند به قانون یا شرع و اصولی باشد که بر مبنای آن حکم صادر شده است. تخلف از این امر و انشاء رأی بدون استناد موجب محکومیت انتظامی خواهد بود.

ماده ۱۰- هر حوزه قضائی به تعداد لازم شعبه دادگاه، قاضی تحقیق، دفتر دادگاه، واحد ابلاغ و اجراء احکام و در صورت لزوم یک واحد ارشاد و معاضدت قضائی خواهد داشت و در صورت تعدد شعب دارای یک دفتر کل نیز خواهد بود.

تبصره- ترتیب تشکیل این واحدها، تعداد اعضای هر واحد، طبقه انتخاب و شرایط آن، میزان صلاحیت و اختیار هر واحد یا هر یک از اعضای آن و نحوه اقدامات و تصمیم گیریها به موجب آئیننامه‌ای است که به پیشنهاد و تهیه وزیر دادگستری به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.

ماده ۱۱- رئیس شعبه اول دادگاههای عمومی در هر حوزه قضائی، رئیس حوزه قضائی است و با تصویب رئیس قوه قضائیه میتواند به تعداد لازم معاون داشته باشد.

ماده ۱۲- رئیس حوزه قضائی هر شهرستان به عنوان رئیس دادگستری آن

شهرستان بر کلیه دادگاههای عمومی و انقلاب نظارت و ریاست اداری دارد و همچنین رئیس دادگستری شهرستان مرکز استان نظارت و ریاست اداری بر امور دادگستری های شهرستانهای حوزه آن استان را خواهد داشت.

تبصره - امور حسبه و کلیه اختیاراتی که در سایر قوانین به عهده دادستان عمومی بوده به جز اختیاراتی که بموجب این قانون به رؤسای محاکم تفویض شده است به رئیس دادگستری شهرستان و استان محول میشود.

ماده ۱۳ - نیروی انتظامی هر حوزه قضائی اعم از بخش یا شهرستان در مقام ضابط دادگستری تحت ریاست و نظارت رئیس همان حوزه انجام وظیفه نموده و مکلف به اجرای دستورات مقام قضائی میباشد.

ماده ۱۴ - دادگاههای عمومی با حضور رئیس شعبه یا دادرس علی البدل تشکیل میشود و تمامی اقدامات و تحقیقات ضروری از بدو تا ختم قضیه وسیله حاکم دادگاه صورت خواهد گرفت همچنین اظهار نظر قضائی و انشاء رأی با او است.

تبصره ۱ - رعایت دستور این ماده مانع از آن نیست که با لحاظ موازین شرع و قانون پاره ای از اقدامات و تحقیقات و تصمیمات به دستور و زیر نظر حاکم دادگاه وسیله قضات تحقیق بعمل آید یا بعضی از اقدامات و تحقیقات به همین ترتیب توسط ضابطین دادگستری یا مراجع ذیصلاح دیگر انجام شود.

تبصره ۲ - هرگاه تحقیق یا اقدامی در حوزه دادگاه دیگری لازم باشد یا اطلاعاتی از حوزه قضائی آن دادگاه باید جمع آوری شود دادگاه رسیدگی کننده میتواند با اعطاء نیابت قضائی از دادگاه آن حوزه انجام آن تحقیقات و اقدامات یا جمع آوری اطلاعات را بخواهد.

ماده ۱۵ - قضات تحقیق تحت نظارت قضات دادگاههای حوزه قضائی عهده دار انجام کلیه اموری هستند که در جریان تعقیب و رسیدگی و اجرا بدانان ارجاع میشود. ماده ۱۶ - ترتیب رسیدگی در دادگاهها طبق مقررات مزبور در آئین دادرسی مربوط به دادگاهها خواهد بود.

ماده ۱۷ - قاضی دادگاه پس از اعلام ختم دادرسی طرف یکپخته مکلف به انشاء رأی میباشد.

ماده ۱۸ - آراء دادگاههای عمومی و انقلاب اعم از حکم یا قرار در موارد زیر نقض میشود:

۱ - قاضی صادرکننده رأی متوجه اشتباه رأی خود شود.

۲ - قاضی دیگری بی به اشتباه رأی صادره ببرد بنحوی که اگر به قاضی صادرکننده رأی تذکر دهد متنبه گردد.

۳ - ثابت شود قاضی صادرکننده رأی صلاحیت رسیدگی و انشاء رأی را نداشته است.

تبصره - در مورد بندهای ۱ و ۲ مرجع تجدیدنظر رأی را نقض و رسیدگی می نماید و در مورد بند ۳ مرجع تجدیدنظر بدواً به اصل ادعای عدم صلاحیت رسیدگی و در صورت احراز، رسیدگی مجدد را انجام خواهد داد.  
ماده ۱۹ - آرای زیر قابل در خواست تجدیدنظر میباشد تا چنانچه مرجع تجدیدنظر پس از رسیدگی پی به اشتباه بین حکم و یا عدم صلاحیت دادگاه برسد رأی را نقض و رسیدگی مجدد نماید.  
الف - احکام:

- ۱ - اعدام و رجم.
  - ۲ - حدود، قصاص نفس و اطراف.
  - ۳ - مصادره و ضبط اموال.
  - ۴ - دیه بیش از خمس دیه کامل.
  - ۵ - در صورتیکه حداکثر مجازات قانونی جرم بیش از ۶ ماه حبس یا شلاق یا بیش از یک میلیون ریال جزای نقدی باشد.
  - ۶ - حکمی که خواسته آن از یک میلیون ریال متجاوز باشد.
  - ۷ - حکمی که مستند به اقرار خواننده در دادگاه نباشد.
  - ۸ - حکمی که مستند به رأی یک یا چند نفر کارشناس که طرفین کتباً رأی آنان را قاطع دعوی قرار داده باشند، نباشد.
  - ۹ - حکم راجع به منتهیات دعوی در صورتیکه حکم راجع به اصل دعوی قابل تجدیدنظر باشد.
  - ۱۰ - حکم راجع به نکاح و طلاق و فسخ نکاح و مهر.
  - ۱۱ - حکم راجع به نسب و وصیت و وصایت و وقف و ثلث و حبس و تولیت.
  - ۱۲ - حکم راجع به حجر و رفع حجر.
- ب - قرارهای زیر در صورتیکه حکم راجع به اصل دعوی قابل در خواست تجدیدنظر باشد:
- ۱ - قرار ابطال دادخواست یا رد دادخواست که از دادگاه صادر شود.
  - ۲ - قرار رد دعوی یا عدم استماع دعوی.
  - ۳ - قرار سقوط دعوی.
  - ۴ - قرار عدم اهلیت یکی از طرفین دعوی.
- تبصره ۱ - احکامی که در مرحله تجدیدنظر صادر میشود؛ بجز در خصوص رأی اضرائی قابل در خواست تجدیدنظر مجدد نیست.
- تبصره ۲ - در موارد مذکور در این ماده در صورتیکه طرفین دعوا کتباً حقی تجدیدنظر خواهی خود را ساقط کرده باشند تقاضای تجدیدنظر خواهی آنان مسموع نیست.

ماده ۲۰- بمنظور تجدید نظر در آراء دادگاههای عمومی و انقلاب در مرکز هر استان دادگاه تجدید نظر به تعداد مورد نیاز مرکب از یک نفر رئیس و دو عضو مستشار تشکیل میشود. جلسه دادگاه با حضور دو نفر عضو رسمیت یافته پس از رسیدگی ماهوی رأی اکثریت که بوسیله رئیس یا عضو مستشار انشاء میشود قطعی و لازم الاجرا خواهد بود.

تصهره - رئیس دادگاه تجدید نظر می تواند رئیس شعبه اول دادگاههای عمومی نیز باشد مگر در مورد احکامی که خود صادر نموده که در این صورت دادرس علی البدل به قائم مقامی رئیس رسیدگی خواهد کرد.

ماده ۲۱- مرجع تجدید نظر آراء دادگاههای عمومی و انقلاب هر شهرستان دادگاه تجدید نظر مرکز همان استان است مگر در موارد ذیل که مرجع تجدید نظر آن دیوانعالی کشور خواهد بود.

۱- اعدام و رحم.

۲- قطع عضو و قصاص نفس و اطراف.

۳- مصادره و ضبط اموال.

۴- مجازات حبس بیش از ده سال.

۵- حکمی که خواسته آن از بیست میلیون ریال متجاوز باشد.

۶- احکام راجع به اصل نکاح و طلاق.

۷- احکام راجع به نسب و وقف و تولیت.

ماده ۲۲- هرگاه از رأی دادگاه عمومی و انقلاب در اموری که در صلاحیت دادگاه تجدید نظر مرکز استان است درخواست تجدید نظر شود دادگاه مزبور به ترتیب زیر عمل خواهد نمود.

۱- اگر رأی دادگاه بصورت قرار باشد و قرار نقض شود پرونده را برای رسیدگی ماهوی به همان دادگاه ارجاع می دهد و دادگاه مکلف به رسیدگی ماهوی میباشد.

۲- اگر رأی دادگاه بصورت حکم باشد و حکم مورد تأیید قرار گیرد بمنظور اجراء به دادگاه صادر کننده حکم اعاده میگردد و چنانچه حکم رانقض نماید رأساً مبادرت به رسیدگی و انشاء رأی خواهد کرد. رأی صادره قطعی و لازم الاجرا خواهد بود.

تصهره - چنانچه رئیس دادگاه تجدید نظر ریاست شعبه اول دادگاههای عمومی را عهده دار باشد ارجاع توسط دادگاه تجدید نظر انجام میگردد و در غیر این صورت پرونده پس از نقض بمنظور ارجاع به نظر رئیس شعبه اول خواهد رسید.

۳- در صورتیکه متهم بی گناه شناخته شود حکم را نقض و متهم تبرئه خواهد شد هر چند محکوم علیه درخواست تجدید نظر نکرده باشد.

۴- اگر حکم تجدید نظر خواسته از نظر احتساب محکوم به یا خسارات یا تعیین مشخصات طرفین دعوی یا تعیین نوع و میزان مجازات و تطبیق عمل با قانون و یا

نقایسی نظیر آنجا که متضمن اشتباهی باشد که به اساس حکم لطمه وارد نسازد دادگاه تجدید نظر یا دیوانعالی کشور که در مقام تجدید نظر عمل می کند اشتباه را رفع و رأی را تأیید خواهد نمود.

بصره ۱- در امور حقوقی شخصی مرجع تجدید نظر فقط نسبت به آنچه مورد درخواست تجدید نظر واقع شده است رسیدگی خواهد نمود و نسبت به آن قسمت که مورد درخواست تجدید نظر نمی باشد حق رسیدگی و اظهار نظر ندارد.

بصره ۲- در احکام کیفری مرجع تجدید نظر نمی تواند مجازات تعزیری مقرر در حکم بدوی را تشدید نماید.

۵- هرگاه در تعیین مجازات سهواً به ماده دیگری استناد شده ولی از این اشتباه تغییری در مجازات حاصل نشده باشد مرجع تجدید نظر حکم را تأیید و تذکر لازم به دادگاه داده خواهد شد.

ناده: ۲۳- دیوانعالی کشور در مورد درخواست تجدید نظر به ترتیب زیر اقدام می نماید:

۱- اگر حکم مطابق قانون و دلائل موجود در پرونده باشد آنرا تأیید و جرت اجراء به دادگاه صادر کننده حکم اعاده می گردد.

۲- هرگاه رأی از دادگاه فاقد صلاحیت ذاتی صادر شده باشد یا برخلاف قانون صادر شده یا رعایت تشریفات قانونی در آن نشده باشد و عدم رعایت تشریفات مذکور به درجه ای از اهمیت باشد که رأی را از اعتبار قائم زنی بیاندازد یا بدون توجه به دلائل یا مدافعات اصحاب دعوی یا بانقض تحقیقات صادر شده باشد رأی را نقض و به شرح زیر اقدام می نماید:

الف - اگر عملی که محکوم علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده است به فرض ثبوت، جرم نباشد یا مشمول عفو عمومی شده باشد یا به جهتی دیگر از جهات قانونی قابل تعقیب نباشد رأی نقض یا ارجاع می گردد.

ب - اگر رأی منقضی، فراق باشد یا حکم بعلت نقض تحقیقات نقض شود پس از نقض برای رسیدگی مجدد به همان دادگاه صادر کننده رأی ارجاع می شود.

ج - اگر رأی یا حکم به علت عدم صلاحیت ذاتی دادگاه نقض شود پرونده به دادگاهی که دیوانعالی کشور صالح می داند ارجاع و دادگاه در معرض اید مکلف به رسیدگی می باشد.

د - در سایر موارد پس از نقض، پرونده به شعبه دیگر دادگاه (به تشخیص دیوانعالی کشور) ارجاع می گردد.

بصره - در مواردی که دیوانعالی کشور حکم را به علت نقض تحقیقات نقض می نماید مکلف است کلیه نواقص تحقیقات را مشروحاً ذکر نماید.

ناده: ۲۴- مرجع رسیدگی پس از نقض در دیوانعالی کشور بشرح ذیل اقدام می نماید:

الف- در صورت نقض قرار در دیوانعالی کشور، باید از نظر دیوان متابعت نماید و وارد رسیدگی ماهوی شود.

ب- در صورت نقض حکم بعثت نقض تحقیقات، باید تحقیقات مورد نظر دیوان را انجام دهد سپس مبادرت به انشاء حکم نماید.

ج- در صورت نقض حکم در غیر موارد مذکور دادگاه می تواند رأی اصراری صادر نماید اگر یکی از کسانی که حق درخواست تجدید نظر دارد تقاضای تجدید نظر نماید پرونده مجدداً در دیوانعالی کشور مورد بررسی قرار می گیرد. هرگاه شعبه دیوانعالی کشور استدلال دادگاه را بپذیرد حکم را ابرام می نماید و در غیر این صورت پرونده در هیئت عمومی شعب حقوقی یا کیفری دیوانعالی کشور حسب مورد مطرح و چنانچه نظر شعبه دیوانعالی کشور مورد تأیید قرار گرفت حکم نقض و پرونده به شعبه دیگر دادگاه از جاع خواهد شد دادگاه مرجوع الیه با توجه به استدلال هیئت عمومی دیوانعالی کشور حکم مقتضی صادر و این حکم قطعی است.

تبصره- قطعیت حکم در صورتی است که از موارد سه گانه مذکور در ماده ۱۸ نباشد.

ماده ۲۵- جهات درخواست تجدید نظر به قرار زیر است:

۱- ادعای عدم اعتبار مدارک استنادی دادگاه یا دروغ بودن شهادت شهود بافتندان شرایط قانونی شهادت، در شهود.

۲- ادعای مخالف بودن رأی با قانون.

۳- ادعای عدم صلاحیت دادگاه یا عدم صلاحیت قاضی صادر کننده رأی.

۴- ادعای عدم توجه قاضی به دلایل یا مدافعات.

تبصره- اگر درخواست تجدید نظر به استناد یکی از جهات مذکور در این ماده بعمل آمده باشد مرجع تجدید نظر در صورت وجود جهتی دیگر می تواند به آن جهت هم رسیدگی نماید.

ماده ۲۶- در موارد مذکور در این قانون اشخاص زیر حق درخواست تجدید نظر را دارند:

۱- در مورد احکام حقوقی:

هر یک از طرفین دعوا یا نماینده قانونی یا قائم مقام آنان مانند وراث، وصی، انتقال گیرنده که از رأی دادگاه متضرر می شود.

۲- در مورد احکام کیفری:

الف- محکوم علیه یا نماینده قانونی او.

ب- شاکی خصوصی یا نماینده قانونی او.

۳- در مورد قرارها:

هر یک از طرفین دعوی که قراردادگاه به ضرر او صادر شده باشد یا نماینده قانونی آنان.



ماده ۲۷- مهلت درخواست تجدید نظر در موارد مذکور در ماده ۱۹ برای اشخاص ساکن ایران ۲۰ روز و برای کسانی که خارج از کشور می‌باشند ۲ ماه از تاریخ ابلاغ رأی می‌باشد.

ماده ۲۸- متقاضی تجدید نظر باید دادخواست و یا درخواست خود را ظرف مهلت مقرر به دفتر دادگاه صادر کننده رأی و یا دفتر بازداشتگاهی که در آنجا توقیف است تسلیم نماید.

مدیر دفتر دادگاه یا بازداشتگاه باید بلافاصله آن را ثبت و رسیدی مشتمل بر نام متقاضی و طرف دعوی و تاریخ تسلیم و ذکر شماره ثبت به تقدیم کننده بدهد و در روی کلید برگه‌های دادخواست یا درخواست تجدیدنظر همان تاریخ را قید نماید. این تاریخ، تاریخ تجدیدنظر خواهی محسوب می‌گردد.

دفتر بازداشتگاه مکلف است که پس از ثبت تقاضای تجدیدنظر بلافاصله آن را به دادگاه صادر کننده رأی ارسال نماید دفتر دادگاه صادر کننده رأی در صورتی که تقاضای تجدیدنظر در مهلت قانونی باشد پس از تکمیل پرونده بلافاصله آنرا به مرجع تجدیدنظر ارسال می‌دارد.

تبصره ۱- دادگاه باید در دلیل رأی خود قابل تجدیدنظر بودن یا نبودن رأی و مرجع تجدیدنظر آن را معین نماید.

تبصره ۲- هرگاه سرد دادگاه تجدیدنظر ثابت شود که به علت قوه قهریه امکان استفاده از حق تجدیدنظر خواهی در مهلت‌های مقرر نبوده است، ابتدای مهلت از تاریخ رفع قوه قهریه خواهد بود.

تبصره ۳- متقاضی تجدید نظر در آراء کیفری باید مبلغ ده هزار ریال بابت هزینه دادرسی بپردازد و در آراء حقوقی هزینه دادرسی برابر مقررات آیین دادرسی مدنی خواهد بود.

ماده ۲۹- متقاضی تجدیدنظر باید تمام علل و جهات تقاضای خود را در دادخواست یا درخواست تجدید نظر تصریح نماید مگر اینکه آن جهت بعداً حادث شده باشد که در صورت اخیر می‌تواند برابر مقررات اعاده دادرسی اقدام کند.

ماده ۳۰- در صورتی که تقاضای تجدیدنظر ظرف مهلت مقرر داده شده باشد چنانچه بر اجرای حکم در امور کیفری فساد مترتب باشد تا اتخاذ تصمیم مرجع تجدیدنظر اجرای حکم متوقف خواهد شد.

ماده ۳۱- محکوم علیه می‌تواند احکام قطعیت یافته هر یک از محاکم را که قابل درخواست تجدیدنظر بوده از تاریخ ابلاغ حکم تا یک ماه از دادستان کل کشور درخواست رسیدگی بنماید. دادستان کل کشور در صورتی که حکم را مخالف بین با شرع یا قانون تشخیص دهد از دیوانعالی کشور درخواست نقض می‌نماید. دیوان عالی کشور در صورت نقض حکم رسیدگی را به دادگاه هم‌عرض ارجاع می‌دهد.

رای دادگاه در غیر موارد مذکور در ماده ۱۸ غیر قابل اعتراض و درخواست تجدیدنظر است.

ماده ۳۲- تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر دادگاه نسبت به دعوی مطروحه با همان دادگاهی است که قانوناً مکلف به رسیدگی به پرونده بوده است.  
ماده ۳۳- در صورتی که دادگاه رسیدگی کننده خود را صالح به رسیدگی نداند با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به دادگاه ذیصلاح ارسال می نماید، چنانچه دادگاه مرجوع الیه ادعای عدم صلاحیت را نپذیرد پرونده جهت حل اختلاف توسط دادگاه مرجوع الیه به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال میشود.

تبصره - در صورتی که اختلاف صلاحیت بین دادگاههای دو حوزه قضایی از دو استان باشد مرجع حل اختلاف دیوانعالی کشور خواهد بود.

ماده ۳۴- از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون رئیس قوه قضائیه مکلف است حداکثر ظرف مدت پنج سال با تشکیل تدریجی دادگاههای عمومی و انحلال دادسراهای عمومی و انقلاب و اتخاذ تصمیمات ضروری در زمینه تعلیم و تربیت نیروی قضائی واجد شرایط موجبات اجرای این قانون را در سراسر کشور فراهم نماید.  
ماده ۳۵- دادگستری مجاز است به منظور تکمیل اعضاء دفتری دادگاههای عمومی و انقلاب نسبت به استخدام کارمند اداری به تعداد لازم اقدام کند اجازه مذکور صرفاً برای تشکیلات مربوط به دادگاههای عمومی است.

ماده ۳۶- دولت مکلف است در اسرع وقت امکان تهیه وسائل و تجهیزات لازم دادگاههای عمومی از قبیل محل استقرار، ملزومات و وسائط نقلیه و دیگر لوازم و وسائل را فراهم کند و اعتبار لازم مربوطه برای این وسائل و تجهیزات را در اختیار دادگستری قرار دهد.

ماده ۳۷- آئین نامه اجرائی این قانون حداکثر ظرف مدت سه ماه توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.

ماده ۳۸- از تاریخ تشکیل دادگاه عمومی و انقلاب در هر حوزه قضائی کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن در همان حوزه لغو می گردد.

## قانون نقل و انتقالات دوره‌ای قضات مصوب ۷۵/۱۱/۲۸

- ماده ۱- در اجرای اصل یکصد و شصت و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نقل و انتقال دوره‌ای قضات به ترتیب مقرر در این قانون انجام می‌شود.
- ماده ۲- کلیه کسانی که از تاریخ تصویب این قانون با پایه قضایی به استخدام قوه قضاییه در می‌آیند موظفند در هر یک از محل‌های استقرار واحدهای قضایی درجه ۳، ۲ و ۱ (موضوع ماده ۳ این قانون) به مدت پنجسال انجام وظیفه نمایند.
- رعایت ترتیب خدمت در واحدهای قضایی فوق‌الزامی نیست.
- تبصره ۱- انتقال به حوزه قضایی تهران مستلزم داشتن حداقل پانزده سال خدمت در محل‌های استقرار واحدهای قضایی درجه ۳، ۲ و ۱ و منوط به وجود پست قضایی می‌باشد. در هر حال کسانی که سابقه خدمت بیشتری در محل‌های استقرار واحدهای قضایی درجه ۳ و ۲ دارند از اولویت برخوردار هستند.
- تبصره ۲- کسانی که با تمایل خود و موافقت رئیس قوه قضاییه در محل‌های استقرار واحدهای قضایی درجه پایین‌تر به مدت بیش از پنج سال مقرر در این قانون خدمت کنند، مدت بیش از پنج سال خدمت ایشان به میزان دو برابر خدمت در محل‌های استقرار واحدهای قضایی درجه بالاتر محسوب می‌شود. در هر حال مدت خدمت الزامی قضات در یک محل استقرار واحد قضایی، بیش از پنج سال نخواهد بود.
- تبصره ۳- مفاد این قانون نسبت به قضاتی که دارای سابقه کار قضایی کمتر از پانزده سال می‌باشند نیز نسبت به مدت باقیمانده شامل می‌گردد.
- ماده ۲- درجه‌بندی محل‌های استقرار واحدهای قضایی با لحاظ محوریت، بدی آب و هوا و دوری از مرکز به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به وسیله وزیر دادگستری تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.
- ماده ۴- کسانی که خدمت موظف خود را در محل‌های استقرار واحدهای قضایی درجه ۳ و ۲ با رعایت ماده (۲) و تبصره‌های آن به پایان رسانیده‌اند چنانچه با تمایل خود در محل‌های استقرار واحدهای قضایی درجه ۳ و ۲ خدمت کنند در ازای هر دو سال خدمت یک پایه قضایی به آنان اعطا و مادامی که در واحدهای قضایی مذکور

خدمت می نمایند به میزان یک پنجم حقوق مبنای گروه مربوطه به حقوق آنان افزوده می شود.

ماده ۵- رسیدگی به تقاضاهای نقل و انتقال قضات در هر سال یک بار انجام می گیرد. چگونگی و زمان رسیدگی به آنها برابر ضوابطی خواهد بود که به پیشنهاد وزیر دادگستری به تصویب رئیس قوه قضاییه می رسد.

ماده ۶- انتصاب مدیران کل و مشاغل گروه ۸ و همچنین کسانی که دارای شش سال سابقه تحصیل در دوره خارج فقه و اصول به تأیید شورای مدیریت حوزه علمیه قم و یا دارای درجه دکترا در یکی از رشته های حقوق می باشند مشمول مقررات این قانون نخواهند بود.

ورود به اداره قوانین شورای نگهبان

تاریخ ثبت: ۱۳ / /

شماره ثبت:

شماره دفتر کل:

شماره شناسه:

صفحه:

-۲۰-

دایره چاپ و تکثیر

۱